

کیفیت استفاده از منابع ادبی برای مسائل تاریخی*

با چشم‌پوشی از مفاهیم خاص تاریخ و ادبیات بطور کلی نمیتوان این دوشعبه از فرهنگ قومی را از یکدیگر مجزا و ممتاز دانست. تاریخ در مفهوم عام آن شامل تمام مظاهر حیات و کارنامه پندار و گفتار و کردار و فهرست تجلیات معنوی و ذوقی و ابداعات و ابتکارات مادی یک قوم بشمار میرود و ادبیات جز لاینفک تاریخ و شاخه‌ای از درخت تناور تمدن و معارف و فرهنگ محسوب میشود و عبارت‌روشنتر تاریخ ظرف کلیه حوادث فکری و ذوقی و عاطفی و عملی و مادی مردم یک سرزمین است. بخصوص در مورد تاریخ و ادبیات ایران در دوره اسلامی ارتباط و آمیزاج این دو رشته تا حدی است که یکی را بدون دیگری نمیتوان مطالعه کرد و آشنایی کامل با مدارک تاریخی غالباً مستلزم تبخّر و تخصص در ادبیات است. مورخانی که از این اصل غفلت کرده و بعنوان وسیله تحقیق

*- در شهریورماه سال جاری نخستین کنگره جهانی ایران‌شناسان در تهران برگزار شد. کنگره جهانی ایران‌شناسان صبح روز چهارشنبه نهم شهریورماه بانطق افتتاحیه شاهنشاه آریامهر و باحضور بیش از یکصد هشتاد تن از دانشمندان برجسته ایرانی و ایران‌شناسان خارجی گشایش یافت و در جلسات عمومی و شعبه‌های پنجگانه آن (ادبیات و هنر، فلسفه و علوم و مذهب، تاریخ و منابع تاریخی، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی) بیش از یکصد سخنرانی و خطابه در زمینه‌های مختلف راجع به تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران ایراد شد. کنگره روز شانزدهم شهریورماه با قرائت گزارش شعبه‌ها و تصویب قطعنامه‌ها در جلسه عمومی پایان پذیرفت.

در نخستین کنگره جهانی ایران‌شناسان گذشته از آشنایی دانشمندان ایرانی و خارجی و مبادله اطلاعات و مشاورات علمی، موضوع تألیف تاریخ مفصل ایران و روش و منابع آن و همچنین لزوم وجود آمدن مرکزی برای جمع‌آوری مدارک و اسناد و منابع و مأخذ تاریخ مفصل ایران مورد بحث و تصویب قرار گرفت و مقدمات تشکیل اتحادیه بین‌المللی ایران‌شناسان فراهم آمد و با انتخاب کمیته دائم برگزاری کنگره ایران‌شناسان مقرر شد که این کنگره هر چندسال یکبار مرتباً تشکیل گردد. اینک متن سخنرانی آقای دکتر منوچهر مرتضوی استاد دانشکده ادبیات تبریز که روزشنبه ۱۲ شهریورماه ۴۵ در کنگره جهانی ایران‌شناسان ایراد شده است از نظر خوانندگان نشریه میگذرد.

و مقدمه کار زبان و ادبیات نیاموخته‌اند از فیض استفاده دقیق و عمیق از مدارک فارسی و عربی - که در آنها مواد تاریخی در زیر حجاب رنگین و مصنوع ادبیات و تعبیرات و صنایع زبان ادبی مخفی و مستتر است - محروم می‌باشند .

موضوع بحث ما این نکات که اشاره کردیم نیست بلکه با توجه بوظیفه و هدف اصلی کنگره حاضر و از آنجا که مساعی و وظائف هر یک از کمیسیونهای ششگانه محدود بحدود ارتباط با تاریخ ایران و محیط در دایره مقتضیات تدوین تاریخ مفضل ایران است می‌خواهیم موردی از موارد استفاده از ادبیات را برای تحصیل مواد تاریخ اجتماعی و تمدن بررسی بکنیم . ذکر این نکته را نیز لازم میدانیم که مسأله جمع و تدوین آگاهیهای ادبی و مطالعه در کیفیت تألیف مباحث راجع به تاریخ ادبیات و شعرا و ادبا و علما و دیگر مسائل ادبی که باید بعنوان بانی بر ابواب تاریخ مفضل ایران افزوده شود مورد بحث نیست و بدیهی است که فصول مربوط به فرهنگ و معارف ایرانی اعم از زبان و ادبیات و فلک‌الر و فلسفه و مذهب و غیره برای درج در ضمن تاریخ مفضل ایران باید بموازات تدوین استخوان‌بندی تاریخ ایران بتدریج از طرف افراد و گروههای متخصص تألیف و تدوین گردد .

برای ورود در موضوع بحث نخست باید اشاره‌ای به ارزش منابع تاریخی موجود کرده سپس مفهوم و معنی واقعی تاریخ مفضل ایران را اجمالاً بررسی نمایم و آنگاه بامقایسه وضع موجود با وضع مطلوب و کشف نقائص بالفعل مدارک موجود و همچنین نقائص بالقوه هر کتاب تاریخی که بر اساس شیوه معمول تنظیم و تدوین گردد به یکی از موارد خدمتی که ادبیات فارسی میتواند در راه تحقق این آرمان علمی و تحقیقاتی انجام دهد پردازیم .

منابع تاریخی موجود یا منابع قدیم است یا تألیفات جدید : منابع قدیم که مشتمل بر منابع تاریخ عمومی و خصوصی است غالباً بر اساس زوایات مکتوب یا مسموع و یا مشهودات بوجود آمده و در تألیف و تدوین آنها غالباً اغراض و وظائف و هدفهایی جز

آرمان و نظر صرف علمی و تحقیقی مؤثر بوده است .

محدود بودن مدارك و منابع و نقص اطلاعات مؤلفان و یا اغراض و نظرهای خاص (که مؤلف علاقه به تأمین آنها داشته است) باعث شده است که گاهی ماهیت مسائل تحریف بشود و گاهی پاره‌ای از وقایع و حقایق در پردهٔ اجمال و نسیان بماند، و در مواردی نیز که نویسنده انگیزهٔ علمی و تحقیقی داشته بعزت نقص و فقدان اطلاعات کافی و وافیه و تأثیر طبع متسامع و خوی افسانه‌پسند نویسنده و خواننده گاهی اوهام و حکایات و افسانه‌ها و اغراقات در خلال حقایق و تار و پود حوادث جایی برای خود باز کرده و ارزش و اعتبار علمی کتاب را تقلیل داده است. اسناد غیر مستقیم تاریخی از قبیل سفر نامه‌ها نیز غالباً بر اثر عدم اطلاع عمیق و قضاوت سطحی نویسنده یا اختلاط مطالب مشهود و مسموع (نگارش بسیاری از سفر نامه‌ها یا بخشهایی از آنها با استمداد از قوهٔ حافظه یا استفاده از یادداشتهای مجمل و مبهم که جهانگرد در مدت سفر برداشته صورت گرفته است) و همچنین تأثیر تعصبات و عقاید خاص جهانگرد - که در ارزیابی مسائل و تعظیم و تخفیف حوادث و قضاوت نسبت به مشاهدات ناخود آگانه تأثیر بخشیده - از آفت تسامح و تحریف و جعل و نسیان مصون نیستند و آنچنان نیست که محتویات آنها را منعکس کنندهٔ عین حقیقت و نمایندهٔ تمام حقیقت بدانیم .

تحقیقات و تألیفات تاریخی جدید نیز - که پس از شیوع و تداول روش تحقیق غربی انجام یافته‌اند - بر چند قسم است : نخست منابعی که نویسندگان آنها از تلقیق مطالب و مواد تألیفات و تحقیقات دیگران (از نوع جدید) برای تألیف کتاب خود استفاده کرده‌اند . دوم تألیفاتی که در نگارش آنها به استفاده از منابع تاریخی قدیم (که در بالا بررسی کردیم) اکتفا شده است. سوم تألیفاتی که در تهیه و تألیف آنها از روش صحیحتری پیروی شده و نویسندگان آنها در استفاده از منابع تاریخی قدیم روش انتقادی و شیوهٔ تطبیق و ترجیح و انتخاب را رعایت کرده از این گذشته مطالب مذکور در کتابهای تاریخ را بکمک مواد موجود در سفر نامه‌ها و استفاده از مدارك غیر مستقیم

دیگر از قبیل اسناد و نامه‌ها و مناشیر محفوظ در کتابخانه‌ها و بایگانیها و مجموعه‌های خصوصی تکمیل و تهذیب کرده‌اند (این نوع کار ندرت دارد و غالباً شامل ادوار محدودی از تاریخ ایران است). بهر حال حاصل همه این کوششها بوجود آمدن منابع پراکنده‌ای درباره تاریخ سیاسی ایران است و باید واقع بینانه اعتراف کرد که نه تنها عسری از کار لازم برای تدوین تاریخ عمومی سیاسی و نظامی انجام نیافته است و برای نیل بدین مقصود راهی دراز در پیش داریم بلکه در زمینه تاریخ محلی و تاریخ خاص مناطق مختلف نیز اصولاً کوشش قابل‌ذکری بعمل نیامده و تاریخ بسیاری از سرزمینها در حجاب ابهام و استتار و خاموشی محض محجوب و مستور است.

خواننده کنجکاو و دقیق در ضمن مطالعه اسناد و مدارک مربوط به تاریخ ایران پس از آشنایی با قالب ظاهری و سطحی تاریخ این سرزمین می‌خواهد بداند سرگذشت قوم ایرانی و کیفیت تمدن و مسائل اجتماعی در ادوار مختلف و سرزمینهای متعدد این کشور پهناور چه بوده است. می‌خواهد بداند در روزگار دیو کس و هو و خوشتره و روزگار کورش تا داریوش سوم که با تاریخ سیاسی آن ادوار کم و بیش آشنایی داریم قوم‌مادی و پارسی در چه شرایطی می‌زیسته‌اند و وضع زندگی اجتماعی و حدود تمدن و فرهنگ آنان چه بوده است. مثلاً همچنانکه در تاریخ قدیم اطلاعات گرانهایی از تشکیلات شهری و کتابخانه عظیم اسکندریه و مراکز مختلف اجتماعی و کیفیت زندگی مردم آن شهر در دست داریم می‌خواهیم نظیر همین اطلاعات را درباره شهرهای همدان و ری باستان و تخت جمشید و تیسفون و گنزک داشته باشیم. می‌خواهیم بدانیم در روزگار ساسانیان وضع زندگی اجتماعی و فرهنگی و طب و اقتصاد و تشکیلات خانوادگی چه کیفیتی داشته. می‌خواهیم بدانیم در زمانی که رود کی‌چنگ بر میگرفت و مینواخت و محمود غزنوی صله‌های گزاف بشاعران میداد و پلای عظیم برجی چون میساخت و از آمو دریا میگذشت و بتخانه سومنات را فتح میکرد و نیاز عشق ایاز را با نازبت شکنی می‌آمیخت در عمق اجتماع و کوچه و پس کوچه‌های بلخ و بخارا و سمرقند و غزنین چه

میگذشت و در زمانی که بوسعید میهنه‌ای با ابوالحسن خرقانی دیدار میکرد در کوی و برزن و بازار زندگی مردم عادی چه جریانی داشت. می‌خواهیم پس از بررسی تاریخ دوره ایلخانان و شناختن سیمای درخشان آن روزگار از قبیل خواجه رشیدالدین فضل‌الله و خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان و خواجه غیاث‌الدین وزیر و سلطان محمود غازان و سلطان محمد الجایتو خر بنده و امیر نوروز و امیر طرمطاز و خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی و آشنایی با تشکیلات عظیم علمی و مؤسسات عام‌المنفعه و استخوان‌بندی تمدن دوره ایلخانی و حوزه‌های اربعه ربع رشیدی و رصدخانه مراغه و شنب‌غازان و حوزه علمی سلطنتی چشم برهم بگذاریم و در کویهای شهر تبریز و شهرچه ربع رشیدی و مراغه سیر و تماشایی بکنیم و وضع مکتبها و کیفیت تعلّم کودکان و تعلیم معلمان و شور و غوغای بازارها و رسوم معاملات و خرید و فروش و زندگی و تقنن مردم و بازیهای کودکان و نشاط جوانان و لباسهای رنگارنگ طبقات مختلف را بطور محسوس بشناسیم و از بازارهای باشکوه شهرهای آذربایجان و انواع کالاها و کاروانهای حله و دیبا و آبگینه و زعفران و جوش و خروش مشتریان دیدن بکنیم و بالاخره حقیقت زندگی طبقات خاصّ مثل عیاران و صوفیان و جوانمردان و طبقات عامّ مانند شهرنشینان و روستاییان و بازرگانان و بازاریان و اهل علم و اصحاب دیوان و اغنیا و فقرا را بطور محسوس و ملموس درک نمائیم.

افسوس که بدنبال این قبیل مطالب و این قسم اطلاعات هر چه بیشتر بگردیم کمتر به نتیجه میرسیم و جز اشارات پراکنده‌ای در کتابهای تاریخ چیزی در این زمینه‌ها پیدا نمیکنیم. اینجاست که بقول مرحوم ادگار بلوشه می‌بینیم منابع تاریخی موجود کالبدهای بیجانی هستند که بهیچوجه به حقیقت و ماهیت تاریخ در مفهوم حقیقی آن راهبر نیستند و اگر نام و مشخصات ظاهری و قیافه مردم این سرزمین را بطور مبهم نشان میدهند در مورد باطن و حقیقت و ماهیت ساکت و خاموشند. برای درک اهمیت این مسأله نخست باید ذهن خود را از مفهوم متداول و معنای مصطلح تاریخ خالی و فارغ بکنیم

تا بتوانیم بپذیریم که تاریخ واقعی و بطور کلی فرهنگ قومی - چنانکه در نطق افتتاحیه دقیق و عمیق و جامع الاطراف شاهنشاه آریامهر بعنوان هدف و دستورالعمل کنگره بین‌المللی ایران‌شناسان مورد توجه و تأکید قرار گرفت - بدون اشمال و احتوا بر آنچه گفته شد معنی و مفهومی نخواهد داشت .

شاید بنظر برسد کتابهایی که تا کنون تحت عنوان تاریخ اجتماعی دوره‌های مختلف نوشته شده تاحدی این منظور را تأمین میکند ولی باید توجه داشت که این قبیل کتابها اگرچه در نوع خود متضمن فوائد خاصی است ولی فقط شامل اصول قواعد و قوانین اجتماعی و دینی و تشکیلات دیوانی و طبقاتی در ادوار مختلف بوده بدبختانه از مواد اجتماعی و تمدن وسیع جامعه چیزی در بر ندارد و هر گاه مطالعه قوانین مدنی و جزائی و تشکیلات اداری عصر حاضر برای نشان دادن تجلیات زندگی و مسائل اجتماعی کافی باشد آنچنان منابعی نیز برای توصیف و ارائه تاریخ اجتماعی و تمدن و فرهنگ ادوار گذشته کافی و رسا خواهد بود .

ولی جای ناامیدی نیست و اگر چه مدارک تاریخی موجود ما را از امکان تحصیل مواد مطلوب در این زمینه ناامید میکند سرچشمه زاینده دیگری وجود دارد که اگر بدردستی و باروش صحیح مورد استفاده قرار بگیرد تا حد زیادی برای تدوین تاریخ اجتماعی و تمدن و فرهنگ ایرانی لااقل در دوره اسلامی کافی و وافی خواهد بود و آن سرچشمه زاینده ادبیات و مدارک ادبی است. منظور من از منابع ادبی دیوانهای شعرا و کتب ادبی و مجموعه‌های مکاتبات و منشآت و تذکره‌های شعرا و عرفا و ادبا و علما و کتب افسانه و قصص و اساطیر و منظومه‌ها و مجموعه‌های حماسی و بزمی و بخشی از کتب تاریخ و سفرنامه‌هاست .

نویسندگان و سراینندگان این آثار در ضمن پروراندن موضوعی خاص مواد و مصالح لازم را برای بنای عمارت نظم و نثر از مشهودات زمان و مکان خود اخذ کرده‌اند . حتی شاعری مثل نظامی هنگامیکه سرگذشت خسرو و شیرین و لیلی و

مجنون را می‌پردازد اگر چه استخوان بندی اثر خود را از يك افسانه قدیمی می‌گیرد ولی برای آراستن مجالس و بزرها و توصیفات و تشبیهات گوناگون از دیده‌ها و شنیده‌های خود استفاده می‌جوید و در توصیف زیبایی و قهر و آشتی و رسوم و آداب مهمانی و میزبانی و روابط عاشق و معشوق و معلم و شاگرد و زن و شوهر و تجلیات صلاح و فساد و معتقدات و خرافات و آرایشها و تزیینات و البسه و اطعمه و اشر به و الحان و آغانی و آلات موسیقی و سفرها و انتظارها و غیره ناچار از معلومات و مشهودات زمان و شهر و دیار خود و لااقل از عناصر معروف در روزگار خود استمداد می‌کند. با مطالعه تحلیلی دیوان خاقانی پی می‌بریم که اگر برای تصویر و مجسم ساختن زندگی مردم شران و تبریز و حتی کلیاتی در باره گرجستان وری و خراسان در قرن ششم هجری منبعی وجود داشته باشد کتابهای تاریخ نیست بلکه دیوان خاقانی است. شاعر بزرگ شران از طرز طلوع و غروب آفتاب در سرزمین خود تا کیفیت بزهای زمستانی و تابستانی و وسائل و آلات بزها و وضع حجره‌ها و شبستانها و ایوانها و اشکال چراغ و منقل و سینی و اطعمه و اشر به و طیب متداول در روزگار شاعر و خرافات و عقاید مردم عامی و بازیهای مختلف و الحان و آغانی و شکل دقیق اسباب موسیقی و مراسم سوگواری و سیاه‌پوشی و شیون و موی کندن و خاک بر سر پاشیدن و چگونگی تسلیت و تعزیت اقوام و خویشاوندان در باره شخص سوگوار و معدوم ساختن وسائل خصوصی شخص متوفی برای جلوگیری از تازه شدن داغ بازماندگان و وضع مکتبهای آن زمان و وسائل تحصیل و تعلیم کودکان و آموزگاران را به ما می‌آموزد و مهمتر از همه اینها و برخلاف آنچه در باره این شاعر بظاهر مشکل گوی و مغلق پرداز مشهور است تصویری جاندار و زنده از کیفیت احساسات و عواطف انسانی مردم زمان خود و لااقل مردم آذربایجان و ازان نشان می‌دهد و ژرفترین عواطف مادری و پدري و فرزندى و مهر و محبت و صفای بین زن و شوهر را ارائه می‌کند و بما می‌آموزد که هشت قرن پیش از این نیز غیر از امرا و شعرا و ادبا و علما مردمی با عواطفی شبیه عواطف ما و با مظاهر شادی و اندوه همچون مردم زمان ما می‌زیستند و خاقانی نیز یکی از آنها

بوده است. بگذریم از اطلاعات گرانمایی که خاقانی درباره وضع صومعه‌ها و راهبان و تزئینات کلیساها و شکل قندیلها و بوقها و صورهای دیرنشینان و ریاضتهای آنان و جزئیات وضع زندانها و نکات باریک درباره جنگهای زمان خود در اختیار ما میگذارد و اهمیت و اشتهار خراسان قدیم و آب و هوای شهر ری را گوشزد میکند و در زمینه زبانشناسی با این دو بیتی مشهور خود نکته‌ای درباره تطوّر زبان گرجی را روشن میسازد و تلویحاً یاد میدهد که در آن زمان در یکی از لهجه‌های گرجی « موئی » بمعنی « بیا » بوده است (بمناسبت ذکر نکته‌آخر شایسته است از استاد فقید و لادیمیر مینورسکی و مقاله مفید و استادانه آن دانشمند درباره قصیده ترسائیۀ خاقانی یاد بکنیم):

از عشق صلیب‌موی رومی روئی ابخازنشین گشتم و گرجی گوئی
از بسکه بگفتمش که «موئی موئی» شد موی زبانم و زبان هر موئی

از تحلیل و تجزیه دیوان فرّخی سیستانی، گذشته از تحصیل مواد مهمی درباره تاریخ سیاسی و جزئیات لشکرکشی محمود غزنوی که بسیاری از آنها در کتابهای تاریخ منسی و مسکوت عنه است، آگاهیهای بسیاری درباره تمدن و وسائل زندگی و آداب و رسوم اجتماعی و فضائل و مفاسد آن روزگار بدست میآید و خصوصیات متفاوت با ادوار دیگر کشف میشود و گوشه‌ای از سیمای حقیقی زندگی مردم از پشت پرده ظاهر میگردد.

از دیوان قطران تبریزی کمترین استفاده‌ای که حاصل میشود اینست که تصویر جالبی از عظمت و اهمیت شهر تبریز در آن زمان و عمارات و ابنیه عالی آن که بر اثر زلزله ویران گشت و مطالبی در باره زندگی مردم بدست میآوریم و از گفته‌ها و سروده‌های کمال خجندی پی میبریم که سرخاب و چرنداب و گجیل محلات بزرگ تبریز امروزمین قرنها پیش از این نیز وجود داشته و از کویهای آباد و مصفا و بارونق تبریز در آن زمان بوده است.

شاید فوآندی که فقط از دیوان منوچهری درباره انواع و اقسام طیور و ریاحین

و آبگیرها و اشجار و صفای طبیعت در بخشی از شمال ایران قابل استفاده است از مجموع مدارك کلاسیک تاریخی و جغرافیایی بدست نیاید. بنظر من بنده آنجا که فردوسی در افسانه‌های مربوط به ادوار ماقبل تاریخ از قول گوینده‌ای مازندران را می‌ستاید در واقع اوصاف مازندرانِ دورهٔ فردوسی را می‌شنویم نه مازندرانِ دورهٔ پادشاهان کیانی را، و از همین توصیف معلوم میشود که هزار سال پیش ازین مازندران وضعی شبیه امروز داشته ولی سرسبزتر و خرمتر و آب و هوایش معتدلتر و ثابت‌تر بوده است:

که مازندران شهر ما یاد باد	همیشه بر و بومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است	بکوه اندرون لاله و سنبل است
هوا خوشگوار و زمین پرنگار	نه گرم و نه سرد و همیشه بهار

مجموعه‌های مکاتبات و نامه‌ها غالباً در ردیف مدارك تاریخی مستقیم محسوب نمیشود و اگر هم مورد توجه مورخ واقع بشود تنها در زمینهٔ تاریخ سیاری مورد استفاده قرار میگیرد نه در زمینهٔ تاریخ اجتماعی و تمدن، در حالیکه از این مدارك پر ارزش فوائد بی نظیری در بارهٔ آن مسائل میتوان بدست آورد. من شخصاً بخش عمدهٔ آگاهی خود را در زمینهٔ تاریخ اجتماعی و تمدن دورهٔ ایلخانان ایران (در مفهوم خاص آن) مدیون مکاتبات رشیدی و وقفنامه‌های رشیدی و اسنادی از این قبیل هستم نه جهاننگشای جوینی و جامع التواریخ و تاریخ و صاف و غیره. پس از تجزیه و تحلیل این مکتوبها و مقایسه و تطبیق مطالب مذکور در این نامه‌ها با همدیگر و با مدارك و اسناد دیگر وسعت و عظمت مراکز تمدن روزگار ایلخانان و عظمت و اهمیت شهرچهٔ ربع رشیدی و کویها و برزنهای آباد آنجا بخوبی معلوم میشود و شهر دانشگاهی آباد و مصفایی در شمال شرقی تبریز در نظرمان مجسم میگردد که دارای کوی استادان و کوی دانشجویان و مدارس متعدد برای تدریس و تعلیم دروس نظری و عملی و دینی و ادبی و طبی و نجومی و کارگاههای صنعتی و فنی گوناگون است. حتی مبلغ مستمری و مواجب استادان و معیدان و دانشجویان و اختلاف وضع دانشجویان شبانروزی و عادی

از خلال این مدارك بوضوح روشن میشود و تعداد قابل توجهی از علما و کتب که در منابع دیگری یاد شده و معزز و محترم بودن علما و روابط وزیر اعظم ایلخانی با دانشمندان و نوع هدایا و مبلغ و مقدار گزارشات و جوایز و سیاست ترویج فرهنگی و علمی و حدود دخالت وزرای ایلخانی در سیاست دولت مغول کشف میگردد. همچنین از پرتو این مدارك میتوان با مطالب جالبی دربارهٔ جزئیات مسائل اقتصادی و کیفیت مالیاتها و منابع و محصولات و ایالات مختلف و امتعه و اقمشهٔ آن عصر آشنا شد، مثلاً از روی این مدارك معلوم میشود فلان دهکده و قصبهٔ دور افتاده بنام زونوزق و زونوز که امروز در شمال تبریز برقرار و مشهور است در روزگار ایلخانان نیز وجود داشته و مانند امروز سبب آن دهکده مشهور آفاق بوده است و همچنین با استفاده از این منابع میتوان پی برد که علما و دانشمندان به تناسب مقام علمی و درجهٔ اشتهار خود از چه نوع پوستینی استفاده میکردند و جنس انواع پوستینها چه بوده است و هزاران نکته از این قبیل.....

مولانا جلال الدین محمد بزرگترین عارف متفکر شرق را همه می شناسیم ولی شخصیت او نیز مثل همه نیمه خدایان دیگر ادبیات ایران نظیر سعدی و حافظ و عطار و فردوسی درهاله‌ای از رمز و ابهام خفته است. اگر گواه شخصیت عرفانی و فلسفی و ادبی مولوی و ارزش او در مقیاس قرون و اعصار مثنوی معنوی و دیوان غزلیات و فیه مافیه و مفاهیم و الای حکمت و عرفان (مندرج در این آثار) باشد منبع تحقیق دربارهٔ شخصیت انسانی و اجتماعی مولوی در زمان محدود ۶۷۲-۶۰۴ هجری مکتوبات اوست. از مکتوبات مولانا که بهمت دانشمندان ترك بزبور طبع آراسته شده و نوع توصیه‌ها و مطالب مندرج در آن گذشته از شخصیت خصوصی مولانا پاره‌ای از جهات روابط اجتماعی و احتیاجات و ابتلائات مردم در روزگار وی روشن میشود.

اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید آینهٔ روشنی است که در آن میتوان منظرهٔ کویها و برزنها و وضع طرق و شوارع و بعضی کاروانسراها و دهکده‌ها و اماکن

مجهول و جهات گوناگون زندگانی مردم عادی ودكانها و نقود و اوزان رایج و بعضی از اقسام جامه‌ها و پاپوشها و نانها و خوردنیهای مخصوص سفره افطار و مطالب دیگر را مشاهده کرد.

بطور کلی مدارك و كتب صوفیه از قبیل اسرار التوحید و فردوس المرشدیه و تذكرة الاولیاء عطار و مواد تمثیلی و داستانی مثنوی مولوی و حدیقه سنائی و بعضی از منظومه‌های عطار و مناقب العارفين و صفوة الصفا - بعثت تماس و ارتباط بلکه وحدتی که بین طبقه متصوفه و مردم و جامعه بوده است - منبع گرانبهایی برای درك جزئیات زندگی مردم عادی و وسائل مختلف مورد نیاز عمومی و اما کن و راهپا و رباطات و زاویه‌ها و معاملات و صنعت و جلوه‌های گوناگون حیات اجتماعی بشمار میرود و بكمك این مواد و تلفیق آنها با مطالب متنوع سفرنامه‌ها (از قبیل سفرنامه ابن بطوطه) میتوان بموازات تاریخ سیاسی اساس تاریخ اجتماعی و تمدن چند قرن را پی‌ریزی کرد.

استفاده از اساطیر و افسانه‌ها و داستانه‌های ادبی و عامیانه در این میان اهمیت کمتری ندارد و اگر چه این داستانه‌ها همیشه نماینده دوره معین و مشخصی نیست ولی با رعایت روش تطبیق و تدقیق میتوان محتاطانه از خلال آنها فوائد تاریخی بیشماری بدست آورد. شاهنامه فردوسی و بخصوص قسمتهای مهم آن جزء ادبیات است نه تاریخ، ولی فراموش نکنیم که از همین افسانه‌های اساطیری و پهلوانی است که در ظلمت مطلق تاریخ میتوانیم بسوی ادوار ماقبل تاریخ ایران کوره‌راهی بگشائیم و طرحی مبهم ولی جالب از کلیات مهاجرت قوم آریا به سرزمینی که بنام آن قوم ایران نامیده شده و پایداریه‌های بومیان زورمند و تنومند شمال در برابر پیشرفت آریاییها و زور آزمایی ممتد و طولانی بین دوشاخه تمدن و بیابانی قوم آریایی یعنی ایرانیان و تورانیان و شرح مشقاتی که منجر به استقرار نیاکان ما در مین تاریخ خود شد بدست آوریم.

میدانیم که برای روشن شدن گوشه‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی قرن سوم تا دوازدهم هجری مطالعه دقیق در وضع زندگی و آداب و رسوم و افکار و عقاید دلاوران

سرکشی که گاهی بنام عیاران و گاهی بنام جوانمردان و فقیان واخی‌ها و زمانی بنام‌های دیگر ظاهر شدند ضرورت دارد. برای تحقیق دربارهٔ این بارقه‌های مهم میهن پرستانه در ظلمت استیلای بیگانگان مدارک مستقیم بهیچوجه کافی نیست بلکه با استفاده از افسانه‌هایی چون سمک عیار و مواژ موجود در منابعی چون سفرنامهٔ ابن بطوطه است که میتوانیم جزئیات آموزنده‌ای دربارهٔ آداب و رسوم و خصائل و آرمان‌های عیاران و پهلوانان و دامنهٔ گسترش و نفوذ فتوت و جوانمردی در ازمنه و سرزمین‌های مختلف بدست بیاوریم.

بعنوان نتیجهٔ این بحث عرض میکنم که تدوین و تألیف تاریخ تمدن و تاریخ اجتماعی ایران در درجهٔ اول موقوف به تحلیل و تجزیهٔ دقیق آثار ادبی اعم از دیوان‌های شعر و کتب ادبی و آثار متصوّفه و افسانه‌ها و مکاتبات و رسائل و مناشیر و منظومه‌ها و تذکره‌ها و ادبیات عامیانه و استخراج مواد موجود در این منابع است و فقط با درست داشتن حاصل چنین تحقیقی و بکسک مدارک تاریخی محض و مواد مندرج در اسناد و نامه‌های مضبوط در آرشیوهای کشورهای مختلف و بالاخره بمدد قرائن حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی است که میتوانیم به تألیف و تدوین تاریخ مفصل ایران در مفهوم وسیع آن امیدوار باشیم و کاخ رفیع تاریخ سیاسی و اجتماعی و تمدن و فرهنگ ایران را بر روی پایه‌های استوار و قابل اطمینان بنا بکنیم.

در خاتمهٔ این گفتار اشاره بنکات زیر لازم مینماید:

پاره‌ای از منابع تاریخی از قبیل تاریخ بیهقی و تاریخ مبارک‌غازانی محتوی مطالب مفید و پرازشی از لحاظ اجتماعی و تمدن در ادوار مورد بحث است ولی این مسأله بهیچوجه از صحت و کلیت انتقاداتی که دربارهٔ مدارک تاریخی و روش تاریخ‌نویسی بعمل آمد نمی‌کاهد زیرا این نوع مطالب مفید که در منابع تاریخ وجود دارد جز بندرت مورد استفادهٔ محققان قرار نگرفته است و باید دوشادوش استخراج مواد مربوط به مسائل اجتماعی و تمدن از منابع ادبی، استخراج و بررسی بشود.

بعنوان نمونه این نوع مواد در منابع تاریخ میتوان از قوانین مختلف اجتماعی و اقتصادی و اداری که در تاریخ مبارك غازانی مندرج است، و در صورت تجزیه و تحلیل اطلاعات سودمندی در زمینه مسائل اجتماعی و تمدن در دوره غازانی و قبل از آن بدست خواهد داد، یاد کرد. همچنین است منابع نیمه تاریخی و نیمه ادبی مانند مجموعه‌های مکاتبات و سیاست نامه و غیره .

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرد اینست که استفاده از محتویات منابع ادبی در زمینه مسائل اجتماعی و تمدن باید با رعایت احتیاط صورت بگیرد و در نظر داشته باشیم که عدم رعایت روش علمی انتقادی (استقراء و تطبیق و مقایسه و تشخیص و استنتاج) در بهره بردن از این مواد چه بسا که باعث گمراهی خواهد شد .

راهی بس دور و دراز است ولی در امکان پیمودن این راه و تحقق این آرزوی ملی و جهانی، اگر چه سالها طول بکشد، بپایمردی دانشمندانی چون شما که از اطراف ایران و اکناف جهان در اینجا گرد آمده اید و با استمداد همت از روان پاک بنیانگذاران این فرهنگ وسیع و عمیق و کهنسال جای تردید نیست .